نگاهی به پژوهش های فرهنگ عامه در ایران

سجادی، سیدمحمود

قومی از دیرباز برای خود فرهنگی و یادگارهای فکری و ذوقی داشته؛شعرها، ترانه‏ها،لالایی‏ها،ضرب المثلها،متلها و افسانه‏ها غمنامه‏ها،شادیانه‏ها و...

ایران و ملت اندیشمند و بافرهنگش از هزاران‏ سال پیش همواره فرهنگ شفاهی را نسل به نسل و سینه به سینه به آیندگان انتقال داده و حفظ کرده‏اند.کسانی با این اندیشه مقدس که این‏ گنجینه در مسیر پر تلاطم و چپاول و تطاول از بین‏ نرود،آنرا از حالت شفاهی به رشته تحریر کشیدند و بدینسان بصورت مدون ثبت و ضبط شد.

بهترین کسی که از این گروه مثال زدنی است، حکیم ابو القاسم فردوسی است؛شاعری‏ اندیشمند،میهن دوست،تکرار نشدنی و بزرگ که‏ به میراث گرانقدر مردم این زمین عشق می‏ورزید و این و آب و خاک خجسته را با همه وجود عظیم‏ خود دوست داشت.فردوسی می‏داند که ایران‏ بزرگ-سرزمین نیاکانش-پاره پاره شده و هر پاره‏ آن به دست حاکمی افتاده؛سلطان محمود در غزنه،یوسف قدر خان در بخارا،امیر منوچهر پسر قابوس در گرگان،با حرب زرین کمر در رستمدار،مجد اله دسته دیلمی در ری،علاء الدوله‏ کاکویه در سپاهان،ابراهیم پسر مرزبان کنگری در تارم،ابو نصر محمد بن معروف در مملان، هسودان روادی در تبریز،فضلون نشدادی در گنجه،شروانشاه در سروان،ابو کالیجار دیلمی در شیراز،ابو الفوارس دیلمی در کرمان،جلال الدوله‏ دیلمی در بغداد تا کرمانشاه.

ما در اینجا قصد نداریم اوضاع نابسامان آن دوره‏ را باز گوییم بلکه در صدد بیان شرایطی هستیم که‏ ملت ایران در معرض تهاجم و تجاوز بود،استاد فردوسی حکیم بزرگوار به گردآوری گنجینه‏های‏ ملی و فرهنگ شفاهی ملت همت گماشت.او داستانهای حماسی ملی را تا آنجا که در دسترس‏ بود گرد آورد.به قول آن ادیب ایرانشناس آلمانی: «فردوسی نه تنها خلاقیت داشت بلکه یکی از بزرگترین نمایندگان هنر داستان نویسی و یا استاد اول آن نوع شعرست و بخصوص از لحاظ نمودارساختن حقایق روحی و متعمق در احوال مردم‏ کسی را یارای برابری با استاد نیست.»(1)

شاهنامه ابعاد متعدد دارد اما یکی از ابعاد آن‏ افسانه‏های دلدادگی و دلبری است.داستانهای‏ ایستادگی و دلیری است.فردوسی متعلق به مردم‏ بود و هرگز به هیچ درباری وابستگی نداشت و هیچ شاهی را مدح نگفت.در چهار مقالهء عروضی(حکایت اول مقالهء دوم)که از شاعران‏ دربار آل ناصر الدین(غزنویان)نام برده می‏شود، هرگز نامی از فردوسی بزرگ مردمگرای در زمان‏ آنان نیست.این شاعر ملی هستهء اصلی فرهنگ‏ مردمی مکتوب منظوم را بوجود آورد و آیینهای‏ ملی و کهن و سنت ما را به زبانی روان و رسا ثبت‏ کرد.او برای این که همخونی و همخانوادگی و همداستانی و همدلی مردم یک سرزمین را نشان‏ دهد میراثهای فکری و فرهنگی آنان را به رشتهء تحریر کشید.

فردوسی سالها پیش از آنکه محمود غزنوی‏ به سال 389 هـ.ق.بر مسند قدرت جابرانهء خود بنشیند،به کار بزرگ گردآوری فرهنگ توده‏ها پرداخت و چنانکه خود گوید:

یکی نامه بود از گه باستان‏ فراوان بدو در همه داستان

پراکنده در دست هر موبدی‏ ازو بهره‏ای برد هر بخردی

«بدست پهلوانی دهقان نژاد»که«دلیر و خردمند و راد بود»یعنی ابو منصور گردآوری گردید و «جوانی گشاده زبان و خوش طبع و روشن روان‏ یعنی دقیقی آن داستانها را به نظم در آورد.وی از داستان گشتاسب آغاز کرده بود و حدود هزار بیت‏ سروده بود که در جوانی به دست غلامی کشته شد و روزگارش سر آمد.»

و اکنون نوبت فردوسی بود که به این کار عظیم‏ دست یازد و چون از مال و مکنتی در خور برخوردار بود و در زاد و بوم خود نام و شوکتی تمام داشت، توانست این گرامی نامه که گنجینه فرهنگ مردم‏ است را طی 25 یا 30 سال پدید آورد.

می‏دانیم ادبیات بر دو گونه است:شفاهی ومکتوب.ادبیات شفاهی آن گونه از شعر و سخن و ترانه و داستان و مثل و متل است که در میان تودهء مردم رواج دارد.در میان داستان‏هایی که در اختیار داریم،تعدادی به فرهنگ شفاهی مردم‏ مربوط است؛قسمتهای زیادی از شاهنامه که ذکر رفت(تا پیشدادیان و کیانیان و...)و تعدادی از داستانهای غنایی که نظامی سرود،نیز ریشه‏های‏ مردمی و شفاهی داشت و تعدادی نیز مخلوق ذهن‏ وقاد و خلاقه او بود.بهر حال حماسه و غنا هر دو یا شفاهی‏اند و یا مکتوب،یعنی یا طبیعی هستند و یا مصنوعی.مثلا حماسه‏های«ایلیاد و ادیسه»اثر هومر شاعر پر آوازه قبل از میلاد یونان و نیز «مهابهارات و رامایانا»(2)که حماسه‏های هندی‏ هستند،متعلق به مردم و گنجینهء شفاهی مردم بوده‏ و سینه به سینه نقل شده و بعدا به صورت مکتوب‏ در آمده‏اند.قسمتی از حماسه و غنا که صرفا و کلا مصنوعی نیستند گاه چنان با آمال و آرزوهای مردم‏ در هم می‏آمیزند که گویی فرهنگ شفاهی،فرهنگ‏ علمی و مکتوب را تحت الشعاع قرار می‏دهند.

بعنوان مثال در کتاب«مختار نامه»همه چیز با واقعیات تاریخی مطابقت ندارد.بلکه نفرت مردم‏ از قاتلین ابا عبد الله و اولاد و یارانش انتقامجویی‏ مختار ثقفی که عبید الله را شکست داد و قاتلین‏ امام را به سختی مجازات کرد،با حسن‏ خونخواهی و تحسین زیاد از حد سراینده‏اش که‏ زبان احساسات مردم بوده،آمیخته شده است. همچنین منظومه‏های«رستم نامه»و«اسکندریه»و حتی«حملهء حیدری»از باذل مشهدی که شرح‏ زندگی و رشادتهای اعجاب انگیز حضرت رسول‏ (ص)و حضرت امیر(ع)را به شیوهء شاهنامه‏ای‏ سروده و حقایق تاریخی را با آرایه‏های ذهنی و عاطفی در هم آمیخته است.

«مهتر نسیم عیار»یکی از شخصیت‏های درجهء اول«اسکندر نامه»است که به خاطر دلیری‏ها و زرنگی‏هایش بصورت یک سمبل در آمده و در افواه عوام و اصطلاحات و امثال از او نام برده‏ می‏شود.

«حسین کرد»شخصیت کتابی است به همین نام به اضافه کلمهء«شبستری»که کاملا اشتباه است و حتی در کتابهای درسی دورهء دوم دبیرستان نیز با عنوان«حسین کرد شبستری»از آن نام برده‏ می‏شود،در حالی که کرد بودن و«شبستری»بودن‏ تقریبا متعارض یا لااقل غیر متعارفند.بلکه‏ «شبستری»نام ناشری است که سالها پیش در خیابان ناصر خسرو تهران دفتر انتشاراتی داشت و \*فردوسی هسته اصلی فرهنگ‏ مردمی مکتوب منظوم را بوجود آورد و آیینهای ملی و کهن و سنت‏ ما را به زبانی روان و رسا ثبت‏ کرد.

\*قسمتی از حماسه و غنا گاه‏ چنان با آمال و آرزوهای مردم‏ در هم می‏آمیزند که گویی فرهنگ‏ شفاهی،فرهنگ علمی و مکتوب‏ را تحت الشعاع قرار می‏دهند.

\*حسین کرد شبستری داستانی‏ گیرا و پر جاذبه است و وابسته به‏ ادبیات فولکلوریک که دهها سال‏ است،توسط مردم عادی و عامی‏ خوانده و نقل می‏شود.

نام خود را درشت روی بعضی از کتابهایش‏ می‏نوشت.من جمله کتاب مورد بحث که به‏ همین جهت اشتباهی صورت گرفته و بسیاری از خوانندگان نام ناشر را جزء عنوان کتاب و مکمل‏ نام شخصیت اصلی دانسته‏اند.بهر حال این کتاب‏ نیز داستانی گیرا و پر جاذبه است وابسته به ادبیات‏ فولکلوریک که دهها سال است توسط مردم عادی‏ و عامی خوانده و نقل می‏شود.

شاعران بزرگ تاریخ ادبیات ایران در مواردمتعدد ضرب المثلها و اصطلاحاتی را در شعرهایشان بکار برده‏اند که ما تصور می‏کنیم در اثر استعمال آنها بصورت ضرب‏المثل و امثال‏ سایره در آمده‏اند،در حالی که از قبل بین افواه‏ عوام رواج داشته و شاعران آنها را بکار برده‏اند. بدین منوال بسیاری داستانها و تمثیلات که شاعران‏ آنها را به نظم کشیده در حقیقت گوشه‏هایی از ادبیات توده را ثبت نموده‏اند.

«...مثنوی شریف سر تا پا انباشته و مالامال‏ از حکم و امثال است،اما ضرب المثلهایش دو قسم است:یکی امثال سایره که در محاوره و ادبیات مشهور و متداول بوده و مولوی آنها را برای‏ بیان مراد خود به کار برده است.یعنی همان‏ ساختن و ابداع جمله‏های موجز و پر مغز که‏ خاصیت مثل شدن را داشته است.»

(1)-

هین مشو غره بدین گفت حزین‏ بار بر گاو است و بر گردون حنین

که مصراع دوم یکی از امثال قدیم فارسی است. حکیم سنایی نیز گفته است:

هیولی چیست الله است فاعل این بدان ماند که رنج بار بر گاو است و آید ناله از گردون

(2)-

جنس شاه است او و یا جنس وزیر هیچ باشد لایق لوزینه(3)سیر

هم سنایی در این مثل گفته است:

هست مهر جان پر از کینه‏ سیر دارد درون لوزینه

(3)

گرز که بستانی و ننهی بجای‏ اندر آید کوه زان دادن ز پای

حکیم اسدی گوید:

گر از کوه گیری و ننهی بجای‏ سرانجام کوه اندر آید ز پای

(4)

گر چه هر دو بر سر یک بازی‏اند لیک آن دو مروزی و رازی‏اند

در این مثل«مرغزی»بجای«مروزی»هم آمده‏ است،چنانکه حکیم مختاری غزنوی گفته است:

بی دست و دلش مردمی و مردی کردن‏ چون شعبده مرغزی و حیله رازی است

وفاق عدوی تو با دوستانش‏ کم از غدغهء مرغزی باد و رازی

مسعود سعد هم گفته است:

تو را چه نسبت با دیگران و این مثل است‏ که مرغزی را هرگز چه کار با زاری است

ظهیر فارابی نیز گوید:

تو ملک بردی و دشمن بگرد تو مزید که این مثل سخن مرغزی با رازی

سوزنی سمرقندی نیز گفته است:

کی تواند حد ایشان جست‏ خصم کاین مرغزی و آن زاری است

(5)

حکمت این اضداد را بر هم ببست‏ ای قصاب این گردران با گردن است

جمله«گردران با گردن است»از امثال قدیم‏ است که در نظم و نثر فراوان آمده که این‏ ضرب المثل تماما قبل از تصنیف مثنوی مولانا وجود داشته و همان گونه که از شاعران دیگر قبل‏ از او نیز آنها به کار برده‏اند یا در ابیات ذیل که‏ از مثنوی مولوی انتخاب شده و مورد استخراج و استقصاء ادیب توانا شادروان جلال همایی نیز قرار گرفته‏اند،امثال سایر،مشاهده می‏شود.

خلوت از اخبار آمد نی ز یار پوستین بهر وی آمد نی بهار

\*\*

مرد میراثی چه داند قدر مال‏ رستمی جان کند و مجال یافت زال

\*\*

او خورد از حرص طین را همچو دبس‏ دنبه مسپارید ای یاران به خرس

پس خداعی را خداعی شد جزا کاسه زن کوزه بخور اینک سزا

(مانند کلوخ انداز را پاداش سنگ است)

\*\*

او نمی‏دانست عقل پای سست‏ که سبو دایم ز جو ناید درست

\*\*

نام احمد نام جمله انبیاست‏ چون که صد آمد،نود هم پیش ماست

\*\*

عنکبوت ار طبع عنقا داشتی‏ از لعابی خیمه کی افراشتی

هر که را باشد مزاح و طبع سست‏ می نخواهد هیچ کس را تندرست

شیر بی دم و سر و اشکم که دید این چنین شیری خدا کی آفرید

\*\*

عاشقان را هر نفس سوزیدنی است‏ برده ویران خراج و عشر نیست

و دهها ضرب المثل دیگر که مولانا به زبان نظم‏ و در مثنوی شریف خود به ثبت رسانده و آنها را بدین وسیله از خطر فراموشی حفظ کرده است. با مراجعه‏ای به کتاب گرانسنگ«امثال و حکم» استاد بزرگ علامه علی اکبر دهخدا نمونه‏های‏ فراوان می‏توان یافت که شاعران بزرگ و گاه نه‏ خیلی بزرگ امثال سایره را در اشعار خود ضبط کرده‏اند.

دکتر محمد جعفر محجوب(1302- 1374)مقالهء ارزشمندی دارد تحت عنوان‏ «داستان‏های عامیانهء ایران»(4)دربارهء«طوطی نامه» اثر ضیاء نبخشی(متوفی 751 هـ.ق.)که اصل آن‏ هنری بوده است البته(دکتر معین طوطی نامه و چهل طوطی را یکی می‏داند و اعتقاد دارد که‏ عنوان چهل طوطی در بین عوام شهرت بیشتری‏ یافته و جزء ادبیات عامیانه است.نبخشی آن را بسال 730 به زبان فارسی روان ترجمه کرده و محتوی چندین قصه و حکایت است.

در بحث از ادبیات فولکلوریک باید از کتاب«حملهء حیدری»نیز نام ببریم که منظومه‏ای‏ است به وزن مثنوی سروده ملا بمونعلی راجی‏ کرمانی(قرن 12 هـ.)در وصف و مدح علی و جنگها و دلاوریهای او...و نیز کتاب«رموز حوزه»که درباره به رشادتها حمزه سید الشهدا- عموی پیغمبر اسلام است.دو کتاب اخیر در میان‏ عامه مردم شهرت و رواج خاصی دارند.

«سمک عیار»از فرامرز بن حداد کاتب در دو جلد داستانی است برخاسته از فرهنگ سینه به‏ سینه مردم که در سال 585 هـ.ق.نوشته شده و شرح زیرکیها و فرزیها و شجاعتهای قهرمان ریز نقش زرنگی است به نام سمک که عیار است و جوانمرد و فداکار.

ترجمه‏هایی که از کتاب معروف«الف لیل و لیل»(هزار و یکشب)ترجمه ملا عبد الطیف‏ طسوجی تبریزی در دست است که در آنها نیز ردپایی از کتب عامیانهء قبلی مثل طوطی نامه(چهل‏ طوطی)مشاهده می‏شود.

«فتوت نامهء سلطانی»نیز کتابی است داستانی‏ در شرح دلاوریهای فتیان نوشته ملا حسین کاشفی‏ واعظ سبزواری سابق الذکر که بخاطر لحن گفتار و نثر به کار گرفته شده در آن و فضای کلی کتاب و به ادبیات عامیانهء ایران و همان چیزی که به آن‏ فولکلور گفته‏اند،مربوط می‏گردد.

دکتر محمد جعفر محجوب دانشکدهء ادبیات‏ دانشگاه تهران در کنار تدریس و تحقیقات پر دامنهء ادبی‏اش بعضی از آثار داستانی منثور فارسی را که بیشتر در میان عوام شهرت و گردش دارند، تصحیح و تحشیه و توضیح نموده‏اند.از جمله‏ داستان بلند«امیر ارسلان نامدار و ملکه فرخ لقا» این داستان در اصل تقریر میرزا محمد علی‏ نقیب الممالک است که شبها در کنار تختخواب‏ ناصر الدین شاه می‏نشست و بطور شفاهی و بدون‏ استفاده از متن این داستان طولانی و دلکش و پر حادثه را برای شاه نقل می‏کرد و تومان آغا ملقب به فخر الدوله دختر تحصیلکرده و خوش خط و ربط ناصر الدین شاه در اتاق کنار می‏نشست و بی‏اینکه توجه پدر را جلب کند داستان‏ نقیب را تحریر می‏نموده و متن آن بعدها چاپ‏ سنگی شد و استاد در سال 1340 بصورتی بسیار پسندیده و با حواشی و توضیحات مکفی توسط انتشارات فرانکلین در سری جیبی منتشر کرد.

مقالهء مفصلی نیز دربارهء«کلثوم ننه»نوشته‏ طنز آمیز آقا حسین خوانساری را نیز با شرح و توضیح مفصل منتشر نمود.در این کتاب آداب‏ خرافی رایج بین زنان و عوام بر اساس هزل مورد استفاده قرار گرفته است.

در مورد جادوگری نیز کتابی داریم به نام«اسرار قاسمی»در سحر و طلسمات و کیمیا که چون پایهء علمی ندارند،طبعا این کتاب و کتابها و آثار مشابه جزو فرهنگ عوام هستند.کتاب فوق را ملا حسین کاشفی واعظ سبزواری نوشته.از کتاب‏ اسرار قاسمی تلخیص بدست فخر الدین علی پسر مؤلف فراهم شده است.

در تهیه و تدوین و گردآوری فولکور ایران‏ صادق هدایت پیشاهنگ و راهگشا بود.او اصول‏ مدونی را برای این کار ارائه و منتشر نمود و خود بطور فنی و سیستماتیک به این امر مهم فرهنگی و ملی پرداخته است.البته قبل از او دو یا سه مورد از فعالیت در جهت گردآوری واژگان لهجه‏ها یا مثل‏ها و ضرب المثلهای محلی بخصوص از سوی‏ خارجیان مقیم ایران صورت گرفته بود.خانم‏ لریمر انگلیسی از جمله خارجیانی است که همراه‏ همسرش سرگرد لریمر که در زمان جنگ بین الملل‏ اول(بین 1908 تا 1918 میلادی-1276 شمسی) در دزفول زندگی می‏کردند،دربارهء فولکلور کرمان،مسجد سلیمان و دزفول تحقیقی هر چند ناقص اما سودمند-انجام دادند و تعدادی از افسانه‏های دزفول را در کتابی گردآوری‏ کردند.(5)در این کتاب واژگان لهجه‏ها یا علائم‏ فنوتیک(آوا نگاری)نوشته شده و طبعا خواندن آنها را تسهیل کرده است.

دکتر اون والا از پارسیان هند که پزشک تیم علمی‏ فرانسه در شوش بوده(بین سالهای 1920 تا 1931 میلادی-1309 تا 1320 شمسی)کتاب کوچکی‏ دربارهء لهجه‏های دزفولی و لری و لکی نگاشته که‏ در آلمان چاپ شده است.

استاد سید محمد علی امام اهوازی-محقق و خوزستان پژوه محترم-که بعدا ذکر او خواهد آمد بر این کتاب ایرادها و انتقادهای فراوانی دارند که‏گویا در مقدمهء یکی از آثار خود مجموعهء این‏ ایرادها و انتقادها را با ذکر دلایل و مستندات و صورت اصلاح شدهء ضبطهای غلط مؤلف هندی‏ یادآوری کرده است.

اولین گامها را در راه جمع آوری موسیقی‏ای‏ محلی کلنل محمد تقی خان پسیان،ابو الحسن‏ صبا،معتمد وزیری و روبیک گریگوریان و... برداشته‏اند.صادق هدایت نیز در این زمینه‏ بخصوص روی ترانه‏های رایج در بین مردم‏ زحماتی را متحمل شده است.

\*اولین گامها را در جمع‏آوری‏ موسیقیهای محلی کلنل‏ محمد تقی خان پسیان،ابو الحسن‏ صبا،معتمد وزیری و روبیک‏ گریگوریان و...برداشته‏اند.

\*«ترانه یا ترانک»از دیرباز بخشی‏ از گنجینهء منظومات خودساخته و خودجوش روستاییان ایران بوده‏ است.

\*سید محمد علی امام اهوازی‏ طی سالهای متمادی در کار گردآوری واژگان دزفولی و ثبت‏ و ضبط و آوانگاری مثلها،متلها، لالاییها،ترانه‏ها،مرثیه‏ها، غمنامه‏ها و معماها و...حتی‏ خرافات مردم دزفول متحمل‏ زحمات فراوانی شده است.

فعالیت‏های بسامان رسیده هدایت در زمینهء فرهنگ عامیانه به قرار زیر است:«اوسانه»: مجموعه‏ای است متضمن پاره‏ای از ترانه‏های‏ عامیانه که به سال 1309 چاپ شد. «نیرنگستان»:رساله‏ای است در اعتقادات عامیانه‏ که بیشتر صبغهء مذهبی گرفته است و نیز آداب و رسوم خرافه آمیز توده،1309 ش.«فولکلور یا فرهنگ توده»چند مقاله دربارهء نمونه‏ها و دستور العمل گردآوری و تدوین فرهنگ عامه که‏ در سه شماره،از سال دوم«سخن»به چاپ‏رسید.«طرح کلی برای کاوش فولکلوریک‏ منطقه»:مقاله‏ای پیرامون لزوم پرداختن به فرهنگ‏ عامیانه و تحقیق فنی دربارهء آن در شماره 4،سال‏ 2 سخن چاپ شد.«ترانه‏های عامیانه»:مقاله‏ای‏ است که طی آن نمونه‏هایی جالب از ترانه‏های‏ عامیانه فارسی و راهنمایی برای نحوه خواندن آنها ارائه شده است.«مثل‏های فارسی»:که به‏ افسانه‏ها و داستان‏هایی که مادران معمولا به هنگام‏ خواباندن اطفالشان برای آنها می‏خوانند،اطلاق‏ می‏شود.«جادوگری در ایران»این مقاله را هدایت به زبان فرانسه neeigameL eceP نوشته و در سال 1926 میلادی در شماره 76 مجلهء eL edeeliov aisA به چاپ رساند. ترجمهء این مقاله در مجلهء جهان نو سال دوم‏ مندرج است.

هدایت علاوه بر گرد آوری و تدوین سیستماتیک‏ فرهنگ عامیانه،از آنجا که نویسنده‏ای رئالیست‏ بود و با واقعیات عریان سر و کار داشت در داستان‏هایش نیز از زبان شخصیتها که اغلب متعلق‏ به طبقات فقیر و درمانده و عقب نگه داشته شده‏ بودند،عبارت و کلماتی عامیانه و زبانزدها و حتی گاه دشنامهایی را بیان می‏کند که می‏توانند قسمتی از فرهنگ عوام باشند.مجتبی مینوی در جایی نوشته‏اند که هدایت بیش از 2000 ضرب المثل و عبارت عامیانه را در اختیار علی اکبر خان دهخدا قرار داد تا در لغتنامه‏اش از آنها استفاده نماید.

با مطالعهء«علویه خانم»(1312 ش)هدایت‏ از زبان این زن متکدی بی‏سواد تا حدی لمپن با تعداد زیادی ضرب المثل و عبارات عامیانه آشنا می‏شویم.

البته قبل از هدایت سید محمد علی جمالزاده و حسن مقدم(علی نوروز)نیز زبان عامیانه را در آثار و داستان‏های خود به کار برده و مورد استفاده‏ قرار داد و مقادیری از واژه‏ها و عبارات فولکلوریک‏ را بدین ترتیب حفظ و ضبط کرد.

اولین بحث روی فولکلور ایران توسط هدایت‏ در مقاله‏ای تحت عنوان:«ترانه‏های عامیانه»در اولین شماره مجلهء موسیقی(1318 ش.)چاپ‏ شد.هدایت در این مقاله پس از تأکید بر اهمیت‏ ترانه‏های عامیانه و ریشه‏های پیدایی آنها می‏گوید: «ترانه‏های عامیانه کاملا با احتیاج هنری ملت‏ تطبیق می‏کند.حس هنر و زیبایی در انحصار طبقات عالی و تربیت شده نیست.نابغه‏های‏ ساده‏ای نیز وجود دارند که در محیطهای ابتدایی‏ تولد یافته،احساسات خود را بی‏تکلف با تشبیهات ساده به شکل آهنگها و ترانه‏های عامیانه‏ بیان می‏کنند و گاهی بقدری ماهرانه از عهدهء این‏ کار بر می‏آیند که اثر آنها جاودانی می‏شود.این‏ نابغه‏های گمنام مؤلفین ترانه‏های عامیانه‏اند»(6)

بعد از هدایت نهضت گردآوری فرهنگ توده‏ جنب و جوش شایسته‏ای را در میان نویسندگان و پژوهندگان دانش اجتماعی بوجود آورد.دکتر صادق کیا جزواتی تحت عنوان«ایران توده»منتشر کرد که چگونگی گردآوری فرهنگ توده را به شیوهء علمی و سیستماتیک بیان می‏کند.

مرحوم حسین کوهی کرمانی روی ترانه‏ها (دو بیتی ناپیوسته و فهلویات)و گونه‏های دیگر اشعار روستایی با تشویق و تمهید مرحوم حبیب‏ یغمایی تلاش شایسته به کار برد که ما حصل آن‏ کتاب«700 ترانهء روستایی ایران»است.

«ترانه یا ترانک»به وزن(مفاعیلن مفاعیلن‏ مفاعیل)از دیرباز قسمتی از گنجینه منظومات خود ساخته و خود جوش روستاییان ایران بوده که از صداقت و زیبایی خاص برخوردارند یکی از انواع‏ شعر...«ترانه»است که از لفظ«تر»به معنای تازه‏ و جوان گرفته‏اند.(کی شعر تر انگیزد،خاطر که‏ حزین باشد«حافظ»)،(ترانه بعد از اسلام به دو بیتی و رباعی اطلاق شد ولی کلمهء رباعی برای‏ دوبیتی‏هایی با وزن لا حول و لا قوة الا بالله به کار رفت(از نوع رباعیات فلسفی خیام و رباعیات‏ عرفانی ابو سعید).

ولی دو بیتی یا ترانه با اشعاری مانند سروده‏های‏ بابا طاهر عریان(7)فرهنگ روستاهای ایران پر است‏ از ترانه‏های نوع اخیر که کوهی کرمانی و دیگران‏ مقدار متنابهی از آنها را گرد آورده و منتشر نمودند.

با دوبیتیهای بابا طاهر همه آشنا هستیم اما با توجه‏ به فرهنگ توده که مبتنی است بر سروده‏های‏ مجهول المؤلف دو سه نمونهء ذیل ذکر می‏شود که‏ از زیبایی خاصی برخوردارند.

سه روزه رفتی و سی روزه حالا زمستون رفتی و نوروزه حالا

تو می‏گفتی سر هفته می‏آیم‏ بیا بشمر ببین چن روزه حالا

\*\*\*

درختی سبز بودم کنج بیشه‏ تراشیدن مرا با ضرب تیشه

تراشیدن منو قلیون بسازن‏ که آتش بر سرم باشه همیشه

\*\*\*

دو تا کفتر بودیم هر دو خوش آواز شبا تو لونه و روزها به پرواز

الهی خیر نبینه مرد صیاد که اون تای مرا برده به شیراز

پروفسور دونالد ویلبر می‏گوید:«پایه و اساس‏ ترانه‏ها روی عشق و دلباختگی نهاده شده و احساسات و تخیلات سادهء روستا نشینان بصورت‏ بسیار صریح و بی‏باکانه در آنها جان می‏گیرد و خودنمایی می‏کند»و براستی نیز چنین است.چه‏ امروز می‏بینیم که قسمت اعظم ادبیات روستایی یا بقول فرنگیها«فولکلور»ما را دوبیتی یا ترانه‏ تشکیل می‏دهد...(8)

مرحوم فضل الله صبحی مهتدی که سالهای‏متمادی در رادیو تهران روزهای جمعه برای‏ کودکان قصه می‏گفت،تعداد زیادی از افسانه‏ها و مثلهای روستایی و عامیانهء ایران را گرد آورد و علاوه بر بیان آنها در رادیو تحت عنوان‏ «افسانه‏های کهن»در 2 جلد چاپ و منتشر نمود.

احمد شاملو(الف.بامداد)شاعر معاصر یکی‏ از اولین کسانی است که بعد از هدایت به‏ گردآوری و انتشار گنجینهء فرهنگ عوام اهتمام‏ نموده و در جنگها و مجلات ادبی از جمله‏ «فردوسی»و«کتاب هفته»که خود سردبیری‏اش را به عهده داشت بخشی تحت عنوان«کتاب کوچه» باز کرد و فرهنگ عامیانه را با همکاری تعدادی از جوانان علاقمند چاپ و منتشر نمود و بعدها نیز بصورت کتاب انتشار داد که تاکنون پنج جلد آنها به ترتیب حروف الفبا از چاپ در آمده است.

علاوه بر مجلات و منابع مکتوب،رادیو و تلویزیون هم در طی سالهای طولانی سعی‏ کرده‏اند به انحاء مختلف نمونه‏هایی از ادبیات و هنر و موسیقی روستاها را گرد آورده و عرضه‏ نمایند؛از جمله برنامهء«یک شاخه گل»که از رادیو ایران پخش می‏شد و فرهنگ و هنر و ادبیات‏ و موسیقی روستایی را باز می‏نمایاند.

سید محمد علی امام اهوازی نیز یکی از کوشندگان پر توان و زحمتکش فرهنگ مردم است‏ که طی سالهای متمادی در کار گردآوری واژگان‏ دزفولی و گردآوری و ثبت و ضبط و آوانگاری‏ مثلها،متلها،لالاییها،ترانه‏های شاد،مرثیه‏ها، غمنامه‏ها،معماها،قسمها،نفرینها،دعاها و باورها و حتی خرافات و خلاصه کل فرهنگ‏ عامیانهء دزفول و مردم این شهر بسیار سختی‏ کشید.ایشان یکی از همکاران استاد معین در گردآوری فرهنگ عامهء فرهنگ فارسی بوده و وظیفه گردآوری و درج و ثبت لغات دزفولی و شوشتری را به عهده داشت و در این زمینه کتب و رسالات زیادی نیز نوشته و به چاپ رسانده و بخشی از آنها نیز آمادهء چاپ بود که در آستانهء 80 سالگی در گذشتند.

از جمله چیستانهای دزفولی،در توضیح و تشریح 170 چیستان به گویش دزفولی و مثلهای‏ تاریخی دزفولی و تمثیل‏های دزفولی و متلهای‏ مربوط به مثلهای دزفولی و...

پی‏نوشت:

استاد سید علی کمالی دزفولی قرآن شناس و اسلام پژوه معاصر در کنار تحقیقات مستمر خود بر روی معارف قرآنی تعدادی از ضرب المثلهای عامیانه دزفولی را گردآوری کرد.و ضمن بیان‏ معنا و مفهوم و کاربرد آنها به زیور نظمشان آراسته است.

مرحوم سید عیسی صافی که یک عمر در کار طبع و نشر و عرضهء کتاب بود،مجموعه‏ای از شعرهای دزفولی را گرد آورد و با اعراب‏ گذاری به چاپ رساند.

مرحوم محمد باقری نیرومند نیز اشعار عامیانه و سروده‏های‏ شاعران شوشتری را به این لهجه گردآوری کرده،با خطی خوش و با بکار بردن اعراب به چاپ رسانده است.

مرحوم سید ابو القاسم انجوی شیرازی در سالهای جوانی از معاشرین صادق هدایت بود.تحت تاثیر او و شاید هم با تشویق‏ وی بکار گردآوری و نشر فولکلور ایران پرداخت علاوه بر مقالات‏ متعددی که به چاپ رساند سالها در رادیو ایران برنامهء«فرهنگ‏ مردم»را اداره و اجرا کرد و گنجینهء پر ارزش از فرهنگ مردم ایران‏ را از قومیتهای مختلف و در ابعاد گوناگون از قبیل:شعر و ترانه و مثل و متل و...گرد آورد.

علی بلوکباشی نیز از کوشندگان عرصهء فرهنگ مردم است که‏ سالها در مجلات مختلف کشور این مهم را عهده‏دار بود.

(1)-«تاریخ ادبیات فارسی»،ترجمه دکتر رضا زاده شفق تهران: دانش،1321،ص 45.

(2)-حماسهء بزرگ هندوان به زبان سانسکریت شامل 18 کتاب‏ که نگارش آن به«ویاسا»دانشمند هندی نسبت داده می‏شود و به‏ فارسی نیز ترجمه شده است.

(3)-نوعی شیرینی است.

(4)-«داستانهای عامیانه ایران»،محمد جعفر محجوب،ماهنامه‏ سخن،سال 11 شماره 7.

(5)-این کتاب با مشخصات ذیل در سال 1919 م به طبع رسید. remiroL , dna.R.L.D selatnaisreP-.O.E , -tirw net nwod rof eht emitsrif ni eht lonigilo inamreK dna iraithkoB , dna .noitalsnart 9191.

(6)-«سیر داستان نویسی در ایران در مسیر نظم»،محمود سجادی،ص؟

(7)-بسیاری از ترانه‏های که در دیوان طاهر آمده فی الحقیقه‏ از شاعران ناشناس روستاها و توده مردمند که به بابا منسوب‏ شده‏اند.

(8)-محمود سجادی،مقدمهء مجموعه شعر«قندیل»،341، اهواز،فردوسی،در مورد ترانه و ترانک نیز استاد بهار در تفریطی که‏ بر کتاب ادبیات معاصر شادروان رشید یاسمی نوشته‏اند شرح‏ مفیدی مرقوم فرموده‏اند که می‏توان به آن مراجعه کرد.

منابع:

1-ابن اثیر،المثل الثائر-تحقیق از محمد محیی الدین-2 جلد، مصر،1939.

2-اته هرمان:تاریخ ادبیات فارسی،ترجمه رضازادهء شفق، چاپخانه دانش،تهران،1321

3-اخوان ثالث،مهدی(م.امید)،ترا ای کهن بوم و بر دوست‏ دارم.انتشارات مروارید،1371،تهران

4-استاریکف 0101،فردوسی و شاهنامه ترجمه رضا آذرخش، سازمان کتابهای جیبی مکرر-امام،سید محمد علی،کتابهای‏ چاپ شدهء ایشان در زمینه فولکلور و نیز مقدمه‏ای که در بعضی کتب‏ مرتبط با موضوع نوشته‏اند.

5-براون،ادوارد گرانویل:تاریخ ادبی ایران،4 جلد،ترجمه علی‏ پاشا صالح و فتح ا...مجشبابی و..

6-بهار،محمد تقی(ملک الشعراء):سبک شناسی با تاریخ تطور نثر فارسی،انتشارات پرستو(وابسته به امیر کبیر)

7-دهخدا،علی اکبر:امثال و حکم،4 جلد،چاپ سوم. انتشارات امیر کبیر،تهران،1352

8-رشید یاسمی(غلامرضا):ادبیات معاصر ایران(این کتاب‏ در حقیقت تکمله‏ای است بر تاریخ ادبی ایران پروفسور ادوارد براوان)

A yretiL yrotsiH fo aisreP / yb nworB.G.E , 4 .dV

9-سجادی،محمود-قندیل(مجموعهء شعر)،احساسی بنام‏ ترانه،1341 فردوسی،اهواز

10-محمود سجادی:داستان نویسی ایران در مسیر نظم و نثر،متن‏ مکتوب یک کنفرانس

11-شاملو،احمد(الف.بامداد):کتاب کوچه،5 جلد

12-شوقی،عباس:فردوسی پاکزاد،عطایی،1350